

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدری | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنجان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

طومار (۱۲) نردبان شکسته (۵)

تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ زندگی نامه ابوجعفر وراق؛ از مضمون تا ساختار (۲)

دانشیار دانشگاه تهران، سطح چهار تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم | علی راد

| ۳۸۱ - ۴۰۹ |

چکیده: کتاب شمائل البخاری نوشته ابوجعفر وراق از جایگاهی بسیار مهم در میان مصادر اسطوره حفظ برخوردار است. این کتاب با نقل اخباری، تصویری اسطوره‌ای از حافظه حدیثی بخاری ارائه کرده است. به اخبار ابوجعفر وراق در پژوهش برجسته دانشگاه الازهر با عنوان «طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاري و الرد عليها» در تراز یک منبع بسیار کهن و معتبر تاریخی استناد شده است. مؤلف این اثر، با هدف شناساندن ابوجعفر وراق، شناخت نامه‌ای برای او نوشته است تا بر چالش شهرت او در جایگاه مؤلف یکی از منابع تاریخی کهن فائق آید. این شناخت نامه از دو بخش زندگی نامه ابوجعفر و کتاب شناخت شمائل البخاری تشکیل شده است. بازیابی طبقه‌بندی و تحلیل مضامین اصلی و فرعی و گونه‌شناسی سبک و ساختار زندگی نامه ابوجعفر وراق مسئله اصلی این مقاله است که با روش تحلیل مضمون انجام یافته است. بر پایه نتایج این تحقیق، مضامین ده‌گانه زندگی نامه ابوجعفر وراق به دو گونه اصلی و فرعی تقسیم‌پذیرند. مناسبات علمی و روابط شخصی ابوجعفر با بخاری به عنوان مضمون اصلی، در هسته مرکزی زندگی نامه او قرار گرفته‌اند، در حالی که مضامین فرعی «از تبار تا لقب» و «از روایت تا تحدیث» در پوسته آن حضور دارد و از اهمیت کمتری در برابر هسته مرکزی برخوردارند. الگوی از هسته تا پوسته، از ذهنیت و غرض‌عزازی در برجسته نمودن نقش بخاری در حیات علمی ابوجعفر حکایت دارد. بر پایه دانش سبک‌شناسی، زندگی نامه ابوجعفر در شمار گونه اجتهادی - تفسیری قرار دارد. در این گونه تحلیل و استنباط، نویسنده نقش اصلی را در نگارش زندگی نامه ایفا می‌کند و برخلاف گونه اسنادی - تاریخی، اخبار و اسناد تاریخی از اولویت اصلی برخوردار نیستند. عزازی، تفسیر و استنتاج خود از اخبار تاریخی مربوط به شخصیت ابوجعفر را بسیار کوتاه و البته منسجم ارائه کرده است. افزون بر ساختارمندی و انسجام، سوگیری و جانبداری (تأکید، ترجیح، تقدیم و انحصار) از دیگر شواهد اجتهاد عزازی در تألیف زندگی نامه ابوجعفر است. این رویکرد عزازی به ارائه تصویری خاص از ابوجعفر در سایه اعتبار و شهرت بخاری انجامیده است که اصل بی‌طرفی در نگارش زندگی نامه‌ها را نقض کرده است.

کلیدواژه‌ها: کتاب شمائل البخاری، زندگی نامه نویسی، ابوجعفر وراق، تحلیل مضمون، سبک‌شناسی، ساختارشناسی، نقد کتاب.

Tūmār (12)

The Broken Ladder (5)

A Critical Analysis of the "Myth of Hifz"

The Biography of Abū Ja'far al-Warrāq: From Theme to Structure (2)

Ali Rad (Associate Professor, University of Tehran)

Abstract: The book *Shamā'il al-Bukhārī*, authored by Abū Ja'far Warrāq, holds a highly significant place among the mythic sources of hifz (memorial transmission of hadith). By transmitting various reports, this work offers a mythologized image of al-Bukhārī's hadith memory. In a major study produced at al-Azhar University under the title *Ta'n wa-shubuhāt al-Shi'a al-Imāmiya ḥawl Ṣaḥiḥ al-Bukhārī wa-l-radd 'alayhā*, Warrāq's reports have been cited as a very ancient and authoritative historical source. The author of the present article, in order to introduce Abū Ja'far Warrāq, has composed a biographical study to counter the challenge of his reputation as the compiler of one of the oldest historical sources. This biographical study consists of two parts: the life of Abū Ja'far Warrāq and a bibliographical survey of *Shamā'il al-Bukhārī*. The main concern of this article is the retrieval, classification, and analysis of the central and subsidiary themes, as well as a typological examination of the style and structure of Warrāq's biography, carried out through the method of thematic analysis. According to the findings of this research, the ten major themes of Warrāq's life are divided into two groups: central and peripheral. His scholarly engagements and personal relations with al-Bukhārī constitute the core theme at the very center of his biography,

۳۸۱

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

while the subsidiary themes such as “from lineage to epithet” and “from narration to transmission” occupy the outer layer, carrying less weight compared to the core. The concentric model of “core and periphery” reflects the perspective and intention of 'Azāzī in highlighting the role of al-Bukhārī in Warrāq's scholarly life. Based on stylistic analysis, Warrāq's biography belongs to the interpretative-ijtihādī type, in which the author's own reasoning and inference play the central role in composing the biography; unlike the documentary-historical type, where historical reports and documents are of primary importance. 'Azāzī's interpretation and conclusions from historical reports concerning Warrāq are presented briefly yet coherently. Alongside this structured coherence, clear tendencies of bias and partisanship—through emphasis, preference, precedence, and exclusivity—further demonstrate the ijtihādī nature of 'Azāzī's work. This approach ultimately produces a particularized image of Abū Ja'far Warrāq, overshadowed by the authority and fame of al-Bukhārī, thereby undermining the principle of impartiality in biographical writing.

Keywords: *Kitāb Shamā'īl al-Bukhārī*; biography writing; Abū Ja'far Warrāq; thematic analysis; stylistics; structural analysis; book critique.

اشاره

اسطوره حفظ به معنای یگانگی حافظه بخاری در حفظ حدیث و برترین حافظ در تاریخ حدیث، بر مجموعه‌ای از اخبار تاریخی استوار است. کهن‌ترین منبع این اخبار، کتاب شمائل البخاری تدوین ابوجعفر و زاق (زنده در نیمه دوم قرن سوم هجری) است. اهتمام به نقل گسترده اخبار این کتاب در قرن نهم هجری، همراه با تفسیر اغراق آمیز از مضامین آنها به تثبیت تصویری غلوآمیز از حافظه بخاری انجامید. در سده معاصر، طیف مدافعان بخاری از جمله عادل عزازی در کتاب طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاری و الرد عليها ضمن اعتماد به اخبار کتاب شمائل البخاری، به احیا و ترویج دوباره آنها اهتمام جدی ورزیدند و تصویر اسطوره‌ای از حافظه بخاری در حفظ حدیث را دوباره مطرح کردند.^۲

از جمله چالش‌های فراوری منابع و مصادر اولیه تاریخی، بازشناسی اعتبار، اصالت و شهرت مؤلف این منابع است. اثبات شهرت مؤلفان منابع کهن تاریخی از اصول بنیادین در نقد تاریخی است و جایگاه و اهمیت بسیاری دارد. با توجه به اینکه کتاب طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاری و الرد عليها به تازگی از سوی نهاد دانشگاهی معتبری چون دانشگاه الأزهر مصر با عنوان رتبه برتر در پژوهش‌های حدیثی منتشر شده است، این پرسش مطرح می‌شود که عزازی به چه میزان به معرفی و اثبات شهرت ابوجعفر و زاق در جایگاه مؤلف کهن‌ترین منبع تاریخی درباره شخصیت اسطوره‌ای بخاری پرداخته است؟ در پاسخ به این پرسش مهم، عزازی در کتاب خود جستاری مختصر را به معرفی ابوجعفر و زاق اختصاص داده است که در واقع زندگی‌نامه ابوجعفر در نگاه و به قلم عزازی است. پیش فرض او این است که این زندگی‌نامه برای اثبات شهرت ابوجعفر و زاق کافی است.

۱. این کتاب با عنوان پژوهش برتر مقطع دکتری در دانشگاه الأزهر مصر در رشته علوم حدیث در چهار جلد منتشر شده است (عادل عزازی؛ طعون و شبهات الشيعة الإمامية؛ قاهره: داراللولوة، ۱۴۴۳ق). عزازی در این کتاب تلاش می‌کند به نقدهای نویسندگان شیعی علیه شخصیت علمی محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ق) و کتاب الجامع الصحيح او پاسخ دهد. عزازی در جلد نخست از کتاب خود جایگاه بخاری را بسیار فرازند و پیراسته از نقدهای منتقدان به تصویر می‌کشد؛ همچنین شخصیت علمی بخاری را با آمیزه‌ای از غلو و اغراق، فراتر از تصور، مقایسه نشدنی با دیگران و در تراز اسطوره‌ای تکرارناپذیر در تاریخ حفاظ و محدثان برتر تاریخ حدیث معرفی می‌کند (بنگرید: علی راد؛ در امتداد اسطوره و سراب؛ ص ۲۴۷-۲۸۳؛ علی راد؛ اسطوره بخارا؛ ص ۲۹۵-۳۲۲).

۲. عادل عزازی؛ طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاری و الرد عليها؛ ج ۱، ص ۲۱۱-۲۲۴.

مقاله حاضر با هدف باز یابی، طبقه بندی، تحلیل مضامین و سبک شناسی این زندگی نامه تدوین شده است. در این تحقیق، نخست به گزارش تلاش عزازی در معرفی ابوجعفر و راق می پردازیم، سپس مضامین اصلی و فرعی زندگی نامه ابوجعفر را تحلیل و تفسیر می کنیم و گونه شناسی زندگی نامه ابوجعفر بر پایه ویژگی های سبک شناسی آن، بخش پایانی این مقاله است. به دلیل گستردگی بحث، ارزیابی ساختار، روش و محتوای زندگی نامه ابوجعفر و راق در پژوهش های بعدی خواهد آمد.

تحلیل مضامین اصلی زندگی نامه ابوجعفر، امکان درک عمیق تری از جایگاه و تصویر ابوجعفر و راق در نگاه عزازی را برای ما فراهم می آورد. این تحلیل ما را به نگره و نگاره ذهنی عزازی از شخصیت ابوجعفر و راق نزدیک می کند. این مقاله تبیین می کند که عزازی چگونه به معرفی ابوجعفر پرداخته است، چه اطلاعات تاریخی از شخصیت ابوجعفر ارائه داده است و این اطلاعات را عزازی چگونه پردازش کرده است؟

از سوی دیگر، بررسی چند و چون مضامین زندگی نامه ابوجعفر و چگونگی پردازش و عرضه آنها، امکان ارزیابی نگرش عزازی به شخصیت ابوجعفر و راق را فراهم می آورد؛ همچنین این بررسی، معیارهای دقیقی برای نقد تاریخی کتاب عزازی را در اختیار ما قرار می دهد؛ زیرا نگارش زندگی نامه ابوجعفر و راق، پژوهشی تاریخی به شمار می آید و این پرسش را مطرح می کند که عزازی تا چه میزان اصول تاریخ نگاری را در نگارش زندگی نامه ابوجعفر رعایت کرده است؟

برای باز یابی مضامین زندگی نامه ابوجعفر، از روش تحلیل مضمون استفاده کرده ایم. تحلیل مضمون از جمله رویکردهای رایج در روش کیفی در پژوهش است که طی فرایندی چند لایه به شناسایی، استخراج، سازماندهی و تفسیر الگوها یا مضامین معنایی در داده های کیفی (متون و اسناد مکتوب) می پردازد. این رویکرد پژوهشی، امکان استخراج معانی عمیق و ساختارمند را از داده های متنی فراهم می آورد؛ در این رویکرد، مضمون یا تم، واحد کلیدی است که معنای ویژه ای را از واژه ها، جملات و گفتارها انتقال می دهد. این مضامین می توانند در بخش های گوناگون متن تکرار شوند یا به شکل پیچیده تری نمود یابند؛ برای نمونه یک جمله می تواند دربرگیرنده چند مضمون باشد، در حالی که چند پاراگراف تنها یک مضمون واحد را پوشش دهند.^۱

۱. برای آشنایی بیشتر از رویکردها و شیوه های متنوع تحلیل مضمون، بنگرید: محمد شیخ زاده و رضا بنی اسد؛ تحلیل مضمون؛ مفاهیم، رویکردها و کاربردها؛ ص ۴۹ - ۱۷۳.

این مقاله با بهره‌گیری از رهیافت نقد تاریخی مدرن در نقد منابع تاریخی تدوین شده است^۱ که با رویکردهای سنتی در نقد اخبار تاریخی^۲ و رهیافت الهیاتی به امور تاریخی^۳ تمایزاتی دارد و بدون هیچ پیش‌فرض و ارزش‌گذاری، به نقد منابع تاریخی می‌پردازد. چارچوب نظری این رهیافت، در بخش نخست مقاله، که در شماره پیشین همین نشریه منتشر شد، تبیین شده است.^۴

نویسنده این مقاله بر پایه چارچوب نظری یادشده به تحلیل و نقد تلاش‌های عزازی در اثبات شهرت ابوجعفر وراق می‌پردازد. در نقد تاریخی مدرن، «شهرت مؤلف» یکی از ارکان اساسی سنجش صحت و اصالت منابع تاریخی کهن و مرجع به شمار می‌آید؛ از این رو بررسی شهرت ابوجعفر وراق در جایگاه مؤلف کتاب شمائل البخاری در بحث اسطوره بخارا اهمیت ویژه‌ای دارد. برای اطمینان از اصالت و شهرت ابوجعفر وراق، ضروری است میزان و چگونگی بازتاب شخصیت او در منابع معاصر و اندکی متأخر از آن - نیمه دوم قرن سوم تا قرن چهارم هجری - به طور گسترده، عمیق و بدون هیچ جانب‌داری واکاوی گردد و نگرش عالمان معاصر ابوجعفر وراق به شخصیت و کتاب او به دقت بازایی و تحلیل شود تا بتوانیم از تلفیق و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده درباره «شهرت او» و «اعتبار اثرش» داوری کنیم و جایگاه تاریخی و علمی ابوجعفر وراق را به عنوان مؤلف کتاب شمائل البخاری آشکار سازیم.

۳۸۵

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

ناشناخته‌بودن پیشینه مکتوب و شفاهی این پژوهش در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی، انجام آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است. این پژوهش از نخستین تلاش‌ها در تحلیل انتقادی خاستگاه تاریخی اخبار اسطوره حفظ و نیز نخستین پژوهش روشمند در نقد رویکرد عزازی به کتاب شمائل البخاری و معرفی مؤلف آن محسوب می‌شود.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رویکرد عزازی در معرفی ابوجعفر وراق در جایگاه مؤلف کتاب شمائل البخاری است. نتایج این مطالعه می‌تواند به شناخت ابعاد تازه‌ای از شخصیت تاریخی بخاری کمک کند، نقد تاریخی مدرن را در ارزیابی منابع تاریخی مسلمانان گسترش دهد و در اعتبارسنجی اخبار تاریخی اسطوره حفظ مؤثر واقع شود.

۱. برای آشنایی با این رهیافت و تمایزات آن با نقد در مطالعات سنتی تاریخ، بنگرید: رضا دهقانی؛ «چیستی نقد تاریخی»؛ ص ۱۴۵ - ۱۷۴. سیدابوالفضل رضوی؛ «نقد منبع در تاریخ: چیستی و چگونگی»؛ ص ۲ - ۱۵. حسینعلی نودری و مهدی فرهانی منفرد؛ «چارچوب نقد تاریخی»؛ ص ۳۰ - ۴۲.

۲. برای نمونه بنگرید: رسول جعفریان، حسن قریب و قاسم طارمی‌راد؛ «شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در بحار الأنوار»؛ ص ۷ - ۴۹.

۳. نک: زینب سالاری و مجتبی زروانی؛ «نسبت بین الهیات و تاریخ در آراء ولفهارت پانن برگ»؛ ص ۳۳ - ۴۸.

۴. علی‌راد؛ «تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ: کتاب شمائل البخاری ابوجعفر وراق (ع)»؛ ص ۳۴۷ - ۳۷۵.

این مقاله از پنج بخش تشکیل یافته است؛ در «اشاره» آغازین بخش مقاله، به تقریر مسئله اصلی مقاله و ابعاد آن، روش، پیشینه و ضرورت انجام آن پرداخته ایم. در بخش دوم، به تقریر متن زندگی‌نامه ابوجعفر وّزاق در کتاب عزازی پرداخته شده است. بخش سوم با سه گفتار و ده جستار، اختصاص به تحلیل و تفسیر دلالت‌ها و مضامین زندگی‌نامه ابوجعفر دارد. بخش سوم، درآمدی مهم برای ورود به نقد رویکرد عزازی در نگارش زندگی‌نامه ابوجعفر است که به توفیق خداوند در ادامه این مقاله به آنها خواهیم پرداخت. بخش چهارم به سبک و گونه‌شناسی زندگی‌نامه ابوجعفر اختصاص دارد. در بخش پنجم، نتایج و نویافته‌های تحقیق ذیل عنوان «دستاورد» مرور شده است.^۱

۱. زندگی‌نامه ابوجعفر وّزاق

متن عبارت عزازی در معرفی ابوجعفر وّزاق چنین است:

و هو ابوجعفر محمد بن ابی حاتم وّزاق البخاری حدث عن: شیخه الامام البخاری و لازمه مدة طويلة سفراً و حضراً و كتب کتبه، روی عن البخاری و یحیی بن جعفر البیکندی و عمر بن حفص الأشقر و حدث عنه: ابو عبدالله محمد بن یوسف بن مطر الفربری و قام بتالیف کتاب حافل عن حياة الامام البخاری سماه شمائل البخاری و هو كما يقول الذهبي جزء ضخم و قد اعتمد عليه كثيرًا الذهبي و غيره في ترجمة البخاری:^۲ او ابوجعفر محمد بن ابی حاتم وراق بخاری است. از استادش امام بخاری روایت کرده و در سفر و حضر مدت زیادی ملازم او بوده و کتاب‌هایش را نوشته است. از بخاری، یحیی بن جعفر بیکندی و عمر بن حفص اشقر روایت کرده

۳۸۶

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. گفتنی است پژوهش حاضر، بخشی از کتاب «اسطوره بخارا» است که امید می‌رود جلد نخست آن به توفیق خداوند امسال منتشر شود. این کتاب، پژوهشی گسترده است که به نقد تصویر اغراق‌آمیز عادل عزازی و سلفیان معاصر از شخصیت بخاری، مؤلف کتاب الجامع الصحیح می‌پردازد. کتاب «اسطوره بخارا» اثبات می‌کند از گذشته تاکنون تصویر غلوآمیز از بخاری در تقابل با جریان نقد کتاب الجامع الصحیح و مؤلف آن شکل گرفته است. مدافعان بخاری به جای مواجهه علمی و استدلالی با نقدهای منتقدان، به مبالغه و غلو به مثابه یک راهبرد تمسک جسته‌اند تا جایگاه بخاری را بسی فزاینده و پیراسته از گزند هرگونه نقد و تردید نشان دهند و منتقدان را به کژاندیشی و ساختارشکنی متهم سازند. این رویکرد تعصب‌آمیز نه تنها شخصیت راستین و تاریخی بخاری را در هاله‌ای از ابهام، شک و تردید قرار داده است، بلکه به ایجاد رویکردی اسطوره‌ای و دور از واقعیت از شخصیت بخاری و کتاب او انجامیده است. شوربختانه این روند همچنان پُرشتاب و قوی‌تر از پیش ادامه دارد که کتاب عادل عزازی نمونه روشن و آشکار آن است.

۲. عادل عزازی؛ طعون و شبهات الشيعة الامامية حول الصحیح البخاری و الرد علیها؛ ج ۱، ص ۱۸۴، پانویشت شماره ۱.

و ابو عبدالله محمد بن یوسف بن مطر فربری از او روایت کرده است. وی به تألیف کتابی جامع درباره زندگی امام بخاری همت گماشت و آن را شمائل البخاری نامید. به گفته ذهبی، این کتابی حجیم است و ذهبی و دیگران در شرح حال بخاری بسیار به آن اعتماد کرده‌اند.

عزازی درصدد ارائه دو دسته اطلاعات کلیدی درباره ابو جعفر و زاق به مخاطب است. نخست به زندگی نامه ابو جعفر می‌پردازد تا خواننده را با شخصیت و دستاوردهای حیات علمی او آشنا کند؛ سپس به معرفی کتاب شمائل البخاری می‌پردازد. بنابراین «زندگی نامه» و «کتاب‌شناسی»، دو بخش اصلی شناخت نامه ابو جعفر و زاق در کتاب عزازی هستند. در ادامه، مضامین اصلی و فرعی بخش «زندگی نامه ابو جعفر» را تحلیل می‌کنیم.

۲. زندگی نامه ابو جعفر؛ مضامین اصلی و فرعی

عزازی در زندگی نامه ابو جعفر و زاق چند ویژگی مهم از زندگی شخصی و حیات علمی وی را برجسته می‌سازد و هر یک را بر اساس درجه اهمیت و اولویت در متن جای داده است. این رویکرد، موجب شکل‌گیری الگوی مضامین اصلی و فرعی در متن زندگی نامه شده و بر ساختار و روند روایت آن تأثیر بسزایی گذاشته است؛^۱ به گونه‌ای که ترتیب ارائه مطالب، هم‌راستا با اهمیت نسبی هر ویژگی در زندگی ابو جعفر است. بازیابی این الگوی پنهان مضامین در زندگی نامه ابو جعفر با استفاده از روش تحلیل مضمون امکان‌پذیر است.

در این بخش به بررسی و تحلیل مضامین زندگی نامه ابو جعفر می‌پردازیم. ابتدا مفاهیم کلیدی و محوری متن را استخراج می‌کنیم و سپس به تحلیل هر کدام به طور مستقل می‌پردازیم. این تحلیل، تمایز میان مفاهیم کلیدی و فرعی متن زندگی نامه ابو جعفر را آشکار می‌کند و از این طریق، ساختار مفهومی متن به روشنی مشخص خواهد شد. این فرایند به فهم عمیق‌تر، روشمند و منسجم زندگی نامه ابو جعفر و زاق کمک می‌کند.

اول: از نسب تا لقب

معرفی شخصیت حقیقی ابو جعفر و زاق بخش نخست از زندگی نامه اوست؛ نام، پدر، کنیه و لقب ابو جعفر در این بخش آمده است.

۱. در جستار سوم از این نوشتار «زندگی نامه ابو جعفر؛ سبک و گونه» از چند و چون و ریخت‌شناسی ساختار آن سخن خواهیم گفت.

نام و نسب

«محمد فرزند ابوحاتم»، نسب نامه بسیار موجز و مختصر ابوجعفر است که در زندگی نامه او آمده است.

کنیه و لقب

«ابوجعفر»، کنیه و «وَرَّاق البخاری» لقب محمد است. برخلاف مفهوم روشن این لقب که به شغل وَرَّاقی محمد برای بخاری دلالت دارد، عزازی درباره کنیه ابوجعفر توضیح بیشتری نداده است.

دوم: از وَرَّاق تا کاتب بخاری

بخش دوم از زندگی نامه ابوجعفر به بیان مناسبات و روابط علمی او با بخاری اختصاص یافته است. مهم ترین مفاهیم ارائه شده در این بخش عبارت اند از:

وَرَّاق بخاری

«وَرَّاق البخاری» لقب ابوجعفر است و عزازی از یادکرد آن قصد دارد به مفاهیم ذیل اشاره کند: الف) در منابع فقهی به اقتضای بحث از اجرت مشاغل، از وَرَّاق یاد شده است و آن را رونویس (ناسخ) معنا کرده اند؛ زیرا هنگام رونویسی از نسخه ناگزیر است که ورق بزند و رونویسی کند^۱ که همسان با معنای این واژه در کتاب های لغت عربی است^۲، میان وَرَّاق با فروشنده ورق (بیتاع الورق) که به کاغذی مشهور است، تفاوت وجود دارد.^۳ به شغل رونویسی از کتاب، وراقه گویند. در قرن دوم هجری از پیشه وَرَّاقی کتاب با عنوان «صنعة الوراق» یاد شده است.^۴ این تعبیر را نباید با وَرَّاق به معنای شخص دارای درهم زیاد^۵ یکسان دانست که به طور معمول در سیاق اشاره به فراوانی مال و مکنت مادی شخص کاربرد دارد.^۶ این معنا بر خلاف سیاق

۳۸۸

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. محمد شربینی؛ مغنی المحتاج؛ ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. «ورجل وراق، وهو الذی یورق ویکتب» (جوهری؛ الصحاح؛ ج ۴؛ ص ۱۵۶۴).

۳. محمد شربینی؛ مغنی المحتاج؛ ج ۲، ص ۳۴۶.

۴. فراهیدی؛ العین؛ ج ۵، ص ۲۱۰.

۵. جوهری؛ الصحاح؛ ج ۴، ص ۱۵۶۴.

۶. در این معنا وَرَّاق از ریشه وَرَق یا وَرَق است که عرب گاهی آن را درباره نقره به کار می برد (ابن سیده؛ المخصص؛ ج ۳، ق ۳، ص ۲۴). ابن قتیبه دینوری؛ غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۷. ورق و رقه از اسامی رایج نزد عرب برای درهم است (فراهیدی؛

زندگی‌نامه ابوجعفر در کتاب عزازی است؛ زیرا تصریح دارد ابوجعفر کتاب‌های بخاری را برای او استنساخ می‌کرد. همچنین این احتمال برخلاف مشهور نیز هست؛ زیرا تاکنون در هیچ منبع تاریخی ادعا نشده است که بخاری از جمله ثروتمندانی بود که نقره زیادی داشت.

بنابراین ابوجعفر با لقب «وَرَّاقُ البخاری» شخصی بود که به رونویسی و نسخه‌برداری کتاب‌های حدیثی بخاری اهتمام داشت. او در نگارش به خط عربی از سواد کافی برخوردار بود، خطی نیکو داشت، به آسیب‌ها و خطاهای رایج در نگارش متون عربی از جمله تصحیف در اسامی و واژگان تسلط کامل داشت، دارای تجربه و تبحر ویژه و شهرت در این زمینه بود،^۱ بخاری نیز به دانش و تخصص او اعتماد داشت.

ب) در روزگار بخاری در نیمه اول قرن سوم هجری و در سرزمین‌هایی که وی برای کسب حدیث به آنها سفر کرد، همچنان شیوه سنتی و کهن وراقی در تهیه و انتشار کتاب رایج بود و ناگزیر بخاری این شیوه را برای انتشار کتاب‌های خود برگزیده بود و ابوجعفر وراق دستیار ویژه بخاری در استنساخ و انتشار کتابهای حدیثی بخاری به شکل وراقی سنتی بود که با زحمت دستان، دقت چشمان و گذشت زمان یک نسخه از کتاب آماده می‌شد.

این تبیین از رواج پیشه وراقی در عصر بخاری با تاریخچه چاپ و انتشار کتاب، کاملاً همسوست؛ زیرا تا پیش از اختراع و توسعه صنعت چاپ کتاب توسط ماشین در جهان، شغل «وَرَّاقی» و «وَرَّاقان» برجسته نقش مهم و یکتایی در تولید و انتشار کتاب علمی و دینی داشتند؛ ولی تولید و انتشار کتاب به جای ماشین، توسط انسان ماهر به اصول و قواعد رونویسی و به شکل دستی انجام می‌شد که البته محدودیت‌ها و آسیب‌های خاص خود را نیز داشت.^۲

العین؛ ج ۵، ص ۲۱۰. ابن سکیت؛ ترتیب اصلاح المنطق؛ ص ۳۹۷ و در حدیث نبوی «من منح منحة ورق أو منح لنا كان له كعدل رقبة أو نسمة» در همین معنا به کار رفته است (ابن سلام؛ غریب الحدیث؛ ج ۱، ص ۲۹۲۹).

۱. در زمینه لزوم پیراستگی وراقان از خطاهای نوشتاری، نک: حسن عسکری؛ أخبار المصحفین؛ تحقیق: صبحی بدری سامرائی؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.

۲. با اغماض از وضعیت چاپ در دوران باستان که به بخش‌هایی خاص از بین‌النهرین و چین محدود بود، نخستین انقلاب در چاپ متحرک و ماشینی کتاب به قرن پانزدهم میلادی در آلمان برمی‌گردد که اختراع چاپ متحرک با حروف قابل انتقال توسط گوتنبرگ رخ داد؛ سپس در اوایل قرن نوزدهم میلادی توسط عباس میرزا چاپ سربی به ایران راه یافت و اولین چاپ سنگی کتاب در ۱۲۲۵ قمری توسط میرزا صالح شیرازی در تبریز راه‌اندازی شد. برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: داود لطفی؛ صنعت چاپ: سیر تحول صنعت چاپ؛ تبریز: آذر پویا، ۱۳۹۵ش، ص ۱۹-۴۳.

ج) با توجه به لحن عزازی در عبارت «وَرَّاق البخاری»، به نظر می‌رسد او قائل به اختصاص و انحصار در این تعبیر است. وی با این بیان احتمالاً بر این نکته تأکید می‌کند که بخاری به جز ابوجعفر، کاتب دیگری نداشت و ابوجعفر نیز صرفاً به استنساخ آثار بخاری مشغول بوده است. در غیر این حالت برای اشاره به معنایی عام‌تر، می‌بایست از عباراتی نظیر «کان یکتب و یورِّق للبخاری» یا «کان من الورَّاقین و النِّسَّاح» استفاده می‌شد.

د) بخاری به دلیل توانایی مالی قابل توجه خود، در پرداخت حقوق و مزایای ابوجعفر به عنوان وَرَّاق و ویژه‌اش با مشکلی مواجه نبود. سفرهای متعدد بخاری به مناطق مختلف نظیر عراق، حجاز، مصر، شام، یمن و جزیره، هزینه‌های گزافی را برای او به همراه داشت؛ به ویژه که این هزینه‌ها چندین برابر استخدام یک وَرَّاق مقیم بود. استخدام وَرَّاقی که مداوم در سفر و حضر همراه بخاری باشد، نیازمند ثروت فراوان وی بود.

ه) با توجه به تنوع و حجم بالای آثار حدیثی بخاری، استنساخ و انتشار آنها به تنهایی برای وی دشوار و دیربازده بود؛ از این رو ابوجعفر را به عنوان وَرَّاق (نسخه‌نویس) برای تکثیر آثارش استخدام نمود. استخدام وَرَّاق اختصاصی نشان‌دهنده نیاز گسترده به کتابت و انتشار آثار بوده است و این امر، بخاری را در زمره شخصیت‌هایی قرار می‌دهد که تألیفات فراوانی داشته‌اند.

و) با توجه به شواهد تاریخی، پرداخت دستمزد برای کتابت قرآن کریم و تهیه ملزومات آن مرسوم و جایز بوده است.^۱ به نظر می‌رسد بخاری نیز به طور معمول هزینه‌های استنساخ کتب حدیثی خود را به ابوجعفر پرداخت می‌کرده است. این پرداخت شامل هزینه‌های نگارش، کاغذ، جوهر، قلم، جلد، دوخت، تذهیب و سایر موارد مربوط به تهیه کتاب بوده است.

بخاری؛ استاد ابوجعفر

عزازی در جمله «حدث عن: شیخه الامام البخاری» از بخاری (البتة با تعبیر معنادار امام) با عنوان تنها شیخ و استاد ابوجعفر وَرَّاق یاد می‌کند. دلالت‌های این جمله را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. در احادیث، خرید و فروش قرآن منع شده است. با این حال، برخی احادیث استثنا قائل شده‌اند: اگر هدف فروشنده فروش جلد، کاغذ یا دستمزد تهیه مصحف باشد و خریدار نیز به همین منظور هزینه را پرداخت کند، خرید مصحف مجاز تلقی می‌شود (بنگرید: محسن آل عصفور؛ الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع؛ ج ۱۱، ص ۸۱ - ۸۴).

الف) محمد بن اسماعیل بخاری مؤلف کتاب الجامع الصحیح، نه تنها خود محدثی برجسته بود که عزازی با کاربرد لقب امام قصد دارد به این سرآمدی بخاری در حدیث اشاره کند، بلکه نقش مهمی در تربیت شاگردان و انتقال دانش حدیث به نسل‌های بعد ایفا کرد و در کسوت یک استاد برجسته حدیث، نقش مؤثری در آموزش حدیث داشت و در شمار مشایخ حدیث بود. از جمله شاگردان برجسته بخاری، ابوجعفر و زاق بود.

تعبیر «شیخه» در عبارت عزازی به استاد نامدار و سرآمد در حدیث گفته می‌شود که برای شاگردانش حدیث بخواند و به ایشان اجازه روایت احادیث خود را بدهد. از این تعبیر در منابع آشنایی با اصول و فنون حدیث یاد می‌شود^۱ و از جمله اهداف سفرهای حدیثی پژوهان، حضور در درس مشایخ در حوزه‌ها و مدارس حدیثی مختلف جهان اسلام تا قرن پنجم هجری بود تا بدون واسطه سند و متن احادیث از زبان ایشان دریافت نمایند و به علو در سند^۲ و اطمینان در طریق دریافت حدیث دست یابند.^۳

بنابراین تعبیر «شیخ ابوجعفر» به این نکته دلالت دارد که ابوجعفر بیشترین احادیث را از بخاری فراگرفت و بخاری نیز به او اجازه نقل احادیث خود را داده بود.

ب) ابوجعفر و زاق اندوخته‌های حدیثی خود را فقط از بخاری آن هم بدون واسطه و از طریق سماع (شنیدن مستقیم) از او فراگرفت. بخاری نخستین و مهم‌ترین استاد ابوجعفر در حدیث بود؛ از این رو عزازی از بخاری با عنوان «شیخ ابوجعفر» یاد می‌کند و با این عنوان، شخص دیگری را در رتبه استادی او نام نمی‌برد.

به بیان دیگر، لحن و آهنگ عزازی به این مهم اشاره دارد که بخاری در آموزش حدیث به ابوجعفر اهتمام ویژه و خاصی داشت که درباره شاگردان دیگرش چنین رویه‌ای را نداشت.

مفاد تعبیر «حدّث» به این نکته دلالت دارد که ابوجعفر، احادیث فراوانی را از طریق سماع از بخاری شنیده و روایت کرده بود. تکرار و تکثیر از معانی باب تفعیل است و در این تعبیر نیز این

۱. درباره جایگاه و اوصاف شیخ، بنگرید: حسن رامهرمی؛ المحدث الفاصل بین الراوی والواعی؛ ص ۳۹۹، ۳۱۳ و ۵۲۲.

۲. دست‌یابی به علو در سند، آرزوی بزرگان حدیث بود. علی بن مدینی در آخرین لحظات عمرش در جمله‌ای یکی از آرزوهای خود را دستیابی به اسناد عالی یاد کرده است: «أَنْ یحیی بن معین رضی الله عنه قیل له فی مرضه الذی مات فیه ما تشتهی قال: بیت خالی وإسناد عالی» (عثمان شهروزی؛ مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث؛ ص ۱۵۶).

۳. احمد خطیب بغدادی؛ الرحلة فی طلب الحدیث؛ ص ۱۶ - ۲۸.

معنا لحاظ شده است؛ بنابراین می‌توان گفت عزازی قصد القای این مهم را به خواننده دارد که ابوجعفر و زاق، کرسی نقل احادیث بخاری را پس از او در اختیار داشت؛ زیرا این تعبیر به طور طبیعی در مورد نقل یک یا چند حدیث یا در یک مقطع تاریخی کوتاه کاربرد ندارد.

همچنین تعبیر «حدّث» به شیوه شنیدن مستقیم حدیث از زبان استاد دلالت دارد.^۱ راوی با کاربرد این تعبیر در آغاز اسانید احادیث قصد تأکید و تصریح بر این نکته را دارد که او الفاظ حدیث را از زبان استادش شنیده و به همان شکل روایت کرده است. بنابراین سبک و شیوه ابوجعفر و زاق در نقل حدیث از استادش بخاری به شکل نقل شفاهی و مستقیم بوده است و این بر اعتبار احادیث او از بخاری می‌افزاید.

ج) اهمیت بخاری در زندگی علمی و جایگاه حدیثی ابوجعفر تا حدی زیاد و اثرگذار بود که عزازی فقط از بخاری با عنوان «شیخ ابوجعفر در حدیث» یاد می‌کند. این نکته نشان‌دهنده جایگاه مهم و مؤثر بخاری در میان استادان احتمالی ابوجعفر است.

د) عزازی نام بخاری را بر دیگر استادان احتمالی ابوجعفر در حدیث مقدم می‌کند و از کاربرد تعبیر «شیخ» یا «استاد» برای آنان اجتناب ورزیده است. این امر بر تأثیر عمیق بخاری در شکل‌گیری شخصیت حدیثی ابوجعفر دلالت دارد و نشان می‌دهد بخاری در آموزش حدیث به ابوجعفر زحمت و تلاش زیادی را کشیده است.

ه) بخاری با دقت و سخت‌گیری فراوان در انتخاب احادیث صحیح و معتبر، الگویی برای شاگردان خود و دیگر محدثان بود. او با روش‌شناسی دقیق خود توانست مجموعه‌ای از احادیث صحیح را گردآوری کند که تا امروز به عنوان مرجعی در حدیث اهل سنت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بی‌شک رویکرد و مبانی بخاری در حدیث‌شناسی در سبک و مبانی حدیثی ابوجعفر و زاق نیز بازتاب یافت؛ از این رو احادیث ابوجعفر از بخاری، منبع شایسته‌ای برای بازشناسی مبانی و آرای حدیثی بخاری نیز به شمار می‌آیند.

و) شاگردان بخاری چون ابوجعفر و زاق میراث حدیثی او را حفظ نموده و به نسل‌های بعد منتقل کرده‌اند تا نام بخاری همواره در تاریخ حدیث بدرخشد؛ از این رو ابوجعفر نقش بسیار

۱. برای آگاهی بیشتر از دلالت تعبیر «حدّثا» و مشابه آن در ادبیات محدثان به مثابه یکی از شیوه‌های شناخته‌شده دریافت و تحمل حدیث از استاد، بنگرید: شهید ثانی؛ الرعاية في علم الدراية؛ ص ۲۳۴ - ۲۳۵. حسن رامهرمزی؛ المحدث الفاصل بين الراوى والواعى؛ ص ۵۲۲.

مهمی را در انتقال و انعکاس میراث حدیثی بخاری به نسل‌های آینده ایفا نمود و ما امروزه باید به احادیث زیادی از طریق وی از بخاری دسترسی داشته باشیم.

راوی احادیث بخاری

جمله «حدث عن شیخه الامام البخاری» نقش ابوجعفر را در جایگاه یکی از راویان معتبر و مورد اعتماد بخاری برجسته می‌سازد. در تبیین بیشتر این نقش می‌توان چنین گفت:

الف) ابوجعفر و زاق از شاگردان برجسته بخاری، در انتقال میراث حدیثی استادش به نسل پس از خود حلقه مهم و معتبری بود. ابوجعفر با حفظ و انتشار آموزه‌ها و میراث حدیثی بخاری، توانست گنجینه‌ای ارزشمند از حدیث را از گزند فراموشی و آسیب تحریف مصون نگه دارد. تعبیر «حدث عن شیخه» به این قسم از تلاش‌های حدیث‌گستری ابوجعفر دلالت دارد که با نقل احادیث بخاری، نام و یاد او و آثارش را ماندگار کرد و نیز در این روند نقش خود را به مثابه یک شاگرد برجسته و موفق تثبیت نمود.

۳۹۳

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

ب) تعبیر «حدث عن شیخه الامام البخاری» به ارتباط مستقیم و بی‌واسطه ابوجعفر با بخاری در یک روند زمانی مستمر دلالت دارد. در این روند طولانی، شاگردی ابوجعفر نزد بخاری در فراگیری حدیث به امری مشهور و شناخته شده بود. ابوجعفر حضور پُررنگ و فعال در جلسات درس حدیث بخاری داشت؛ همچنین نزد شاگردان بخاری به دقت در فراگیری مبانی و معیارهای حدیثی بخاری زبانزد بود.

ج) بخاری برای هر کدام از مراحل دریافت و کتابت حدیث از مشایخ حدیث، گزارش و روایت احادیث در کتاب‌های خود از جمله الجامع الصحیح، معیارهای سخت و ملاک‌های دقیق را برگزیده بود. فراگیری معیارهای بخاری در گزینش و گزارش احادیث صحیح و معتبر با توجه به تنوع و تکرار الگوهای اسانید آنها به توانایی و استعداد ویژه‌ای نیاز داشت. ابوجعفر و زاق از این نبوغ برخوردار بود؛ به همین دلیل موفق شد اجازه روایت مستقیم احادیث بخاری را از شخص او در دوره حیات او دریافت کند.

اعطای اجازه نقل حدیث به ابوجعفر از سوی بخاری، امتیازی بزرگ برای ابوجعفر بود که جایگاه برجسته او را در میان شاگردان بخاری نشاندار کرد؛ از این رو درباره نقش ابوجعفر در شناخت و انتقال مبانی و معیارهای حدیثی بخاری به طور عادی و طبیعی با اطلاعات انبوه در منابع حدیثی و تاریخی روبرو خواهیم بود.

د) عزازی پس از مشاهده فراوانی و حجم گسترده احادیث ابوجعفر از بخاری در بخش‌های مختلف جوامع حدیثی، این نقش و دستاورد مهم علمی ابوجعفر و زّاق را با جمله «حدث عن شیخه الامام البخاری» برجسته کرده است تا به نقش مؤثر و پُررنگ ابوجعفر در انتقال میراث حدیثی بخاری تأکید کند.

این امر نشان می‌دهد ابوجعفر نه تنها در جایگاه یک راوی حدیث، بلکه به عنوان یک حلقه بسیار مهم و منبع اثرگذار در انتقال آموزه‌های حدیثی بخاری شناخته می‌شود و نیز تمایزات جدی میان نقش و جایگاه ایشان با دیگر شاگردان بخاری وجود دارد؛ بنابراین در تحلیل زندگی‌نامه علمی ابوجعفر نباید از این مهم غفلت ورزید و نقش او را در سطح یک شاگرد یا راوی معمولی تنزل داد.

ه) در ادبیات حدیث پژوهان، تعبیر «حدث عن شیخه الامام البخاری» به طور معمول درباره شاگردانی به کار می‌رود که سالیان متمادی نزد استاد خود به یادگیری حدیث پرداخته و سپس به نقل گسترده آنها اهتمام ورزیده باشند. چنین شاگردانی نه تنها احادیث بسیاری را از استاد خود شنیده‌اند، بلکه از دلایل صحت و اعتبار، ظرایف و دقایق اسناد و متون احادیث استاد خود نیز آگاه بوده‌اند. ابوجعفر و زّاق به چنین تبحر و مهارتی در نقل احادیث بخاری دست یافته بود؛ زیرا بدون این دانش ژرف، اقبال لازم را نزد اهل حدیث پیدا نمی‌کرد.

و) به طور معمول تعبیر «حدث عن شیخه» برای افرادی که نقل‌های پراکنده، انگشت‌شمار و محدود از مشایخ خود دارند، به کار نمی‌رود. بنابراین تعبیر مذکور نه تنها بیان‌کننده گسترده‌ی دانش حدیثی ابوجعفر است، بلکه بر تعهد وی به حفظ میراث علمی استاد خود بخاری نیز دلالت دارد. این امر یادآور اهمیت نقش ویژه و برجسته او در انتقال صحیح میراث حدیثی بخاری به نسل‌های بعدی است و ابوجعفر کوشید همه آنچه از بخاری فراگرفته بود را به نسل بعد از خود انتقال دهد.

همراه بخاری

جمله «ولازمه مدة طويلة سفراً و حَضراً» در تبیین روابط میان ابوجعفر و زّاق و بخاری به مضامین ذیل دلالت دارد:

الف) ابوجعفر و زّاق همراه بسیار نزدیک و همیشگی بخاری در تمامی سفرهای او به شهرهای مختلف جهان اسلام بود. بخاری از آغاز نیمه اول قرن دوم هجری سفر علمی خود را به مدارس

حدیثی مختلف جهان اسلام از حجاز تا شام، از مصر تا یمن آغاز کرد و در پایان به نیشابور مراجعت نمود.^۱ به طور تقریبی این سفر چهار دهه به طول انجامید. دستاورد این سفر طولانی او، کارنامه علمی و میراث حدیثی بخاری و نیز مدارس حدیثی قرن سوم هجری بود.

ابوجعفر و زاق تنها شخصی بود که بخاری را در این سفرها همراهی کرد؛ زیرا عزازی در فصل شرح حال بخاری از کتابش به استثنای ابوجعفر و زاق از شخص دیگری با عنوان ملازم و همراه بخاری در سفر علمی او یاد نکرده است.

ب) تعبیر «و حَضَرًا» بر این معنا دلالت دارد که ابوجعفر در زمان‌های کوتاه اقامت و سکونت بخاری در شهرهایی که برای فراگیری حدیث به آنها سفر می‌کرد، همراه و ملازم بخاری بود؛ درواقع چنین نبود که بخاری را در این شهرها ترک کند و به وطن خود، بخارا بازگردد.

ج) ضرب المثل «رفیق گرمابه و گلستان» در زبان فارسی، معادل بسیار مناسبی برای تعبیر «لازمه... سفرًا و حَضَرًا» است. این مثل همسان‌های زبانی مشترکی در زبان‌های مختلف جهان دارد و برای اشاره به رابطه صمیمی و بسیار طولانی میان دو شخص به کار برده می‌شود.^۲ افزون بر دستیاری ابوجعفر در استنساخ آثار بخاری، میان او و بخاری روابط عاطفی و صمیمی نیز در طول سفر وجود داشت. وجود این سطح از روابط عاطفی میان ابوجعفر و بخاری به این نکته تاریخی دلالت دارد که ابوجعفر در بازه زمانی همراهی با بخاری بایستی مردی میانسال بوده باشد که بتواند افزون بر کتابت و انتشار کتاب‌های بخاری، همدم و همراه و «رفیق گرمابه و گلستان» او نیز باشد.

وجود فاصله ستی زیاد میان ابوجعفر با بخاری می‌توانست بر اصل و چگونگی این ملازمت طولانی اثر منفی بگذارد؛ زیرا میان علایق یک جوان با آرزوی یک مرد میانسال که به چیز دیگری غیر از گردآوری حدیث علاقه ندارد، فاصله زیادی وجود دارد و زمینه همراهی این دو با یکدیگر را در یک بازه زمانی بلندمدت منتفی می‌سازد.

بر پایه دیدگاه عزازی، اخبار ابوجعفر و زاق منبع بسیار مناسبی برای شناخت خُلق و منش بخاری خواهد بود؛ زیرا در سفر است که جوهره شخصیت و اوصاف اخلاقی هر شخصی آشکار

۱. ذهبی؛ سیر أعلام النبلاء؛ ج ۱۲، ص ۴۵۹.

۲. این ضرب المثل برگرفته از شعر منسوب به حافظ «اگر رفیق شفیقی، درست پیمان باش * حریف خانه و گرمابه و گلستان باش» است (حافظ شیرازی؛ دیوان حافظ؛ غزل ۲۷۳، ص ۱۳۸) و به رابطه دوستی بسیار عمیق و سرشار از وفاداری و اعتماد میان دو شخص اشاره دارد که همراه در خلوت همدیگر حضور دارند و بر پیمان دوستی با یکدیگر وفادارند.

می‌شود و ملازمان در سفر، آگاه‌ترین اشخاص از روحيات و اخلاقیات همديگر هستند؛ به ويژه اگر مدت زمان سفر بسيار طولانی باشد و ابوجعفر تنها شخصی بود که توفيق داشت که زمان زیادی را در سفر و حضر با بخاری باشد.

د) تعبير «سَفَرًا وَ حَضَرًا» به تداوم ملازمت و همراهی ابوجعفر با بخاری دلالت دارد. قيد «مدة طويلة» به طولانی بودن دوران این ملازمت اشاره دارد. هرچند در عبارت عزازی میزان و مدت زمان این سفر و ملازمت ابوجعفر با بخاری تعیین نشده است، اما می‌توان با توجه به شواهد تاریخی چنین حدس زد که این دوره بیش از چهل سال به طول انجامید.

نخستین سفر بخاری از شانزده سالگی او به مکه آغاز شد و این سفرها تا سال دویست و پنجاه هجری که به نیشابور بازگشت، تداوم داشت. بخاری مدتی را نیز در برخی از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر اقامت گزید که این بازه زمانی با مرگ او در سال ۲۵۵ هجری در خرتنگ سمرقند پایان یافت. معادل زمانی این دوران سفر، سکونت نزدیک به چهل سال است که زمان تقریباً زیادی و طولانی است.

ه) ابوجعفر و زاق نزد بخاری، شخص امین و معتمدی بود؛ افزون بر وفاداری، اعتماد و امانت‌داری از جمله بایسته‌های اخلاقی در سفرهای طولانی است. این فضایل اخلاقی در ابوجعفر چنان برجسته بود که بخاری او را در دوره طولانی سفر علمی خودش، همراه و همیارش برگزید و تا آخر نیز شخص دیگری را جایگزین او نکرد.

کاتب بخاری

جمله «کتب کتبه» در عبارت عزازی به مفاهیم زیر دلالت دارد:

الف) ابوجعفر و زاق در کنار نقش‌های پیشین خود چون شاگرد، و زاق، راوی و ملازم بخاری، نویسندۀ کتاب‌های بخاری نیز بود؛ از این رو می‌توان او را «نویسنده بخاری» نیز نامید. این نقش را نباید با آماده‌سازی کتاب یکسان دانست که بیشتر و زاقان عهده‌دار آن بودند. ابوجعفر پیش از آماده‌سازی کتاب‌های بخاری برای انتشار، خود به نگارش آنها اقدام می‌کرد. البته چندان روشن نیست که این کتابت از روی نسخه دستنویس بخاری بوده است یا ابوجعفر از روی املای بخاری، آنها را کتابت می‌کرده است؟

ب) نگاشتن کتاب‌های بخاری از اوصاف برجسته ابوجعفر وّزاق است؛ به همین دلیل عزازی آن را مستقل از دیگر اوصاف ابوجعفر ذکر می‌کند تا به اهمیت آن اشاره داشته باشد. در میان شاگردان بخاری، ابوجعفر وّزاق فرصت ارزشمند کتابت آثار بخاری را به دست آورده بود؛ زیرا عزازی از شخص دیگری با عنوان کاتب و نویسنده آثار بخاری یاد نکرده است.

ج) ابوجعفر وّزاق نویسنده کتاب‌های بخاری بود که تمام آنها را با دقت و تعهد نگاشت و به وصف نویسنده آثار بخاری شهرت داشت و همانند نویسندگان مشهور، مُهر یا نشان ویژه‌ای برای خود داشت که نشان می‌داد عمل کتابت را او انجام داده است.

د) ابوجعفر نه یک اثر یا کتاب حدیثی بخاری، بلکه همه تالیفات بخاری را دست‌کم یک بار نوشت. جمع‌بودن واژه کتاب در جمله «کتب کتبه»، به این نکته دلالت دارد.

ه) هرچند عزازی به تعداد تالیفات بخاری در این عبارت اشاره ندارد، اما در بخش شرح حال بخاری در کتابش، جستار مستقلی را به معرفی تفصیلی آنها اختصاص می‌دهد که گویای تعدد و فراوانی این آثار است. فراوانی و تنوع تالیفات بخاری چنان زیاد است که ابوجعفر برای نگارش این آثار حتی برای یک بار به زمان بسیار زیادی نیاز داشت.

به طور عادی و طبیعی پس از نگارش، بخاری با مطالعه و بررسی نگاشته ابوجعفر، خطاهای احتمالی را گوشزد می‌کرد. این فرایند با توجه به سبک و ابزارهای نگارش قرن سوم هجری به طولانی‌شدن زمان کتابت آثار بخاری می‌افزود.

و) ابوجعفر وّزاق به احتمال زیاد از توانایی نگارش به زبان عربی برخوردار بود، خط زیبایی داشت و به فنون نگارش انواع کتاب‌های حدیثی، رجالی، اعتقادی و تاریخی آشنا بود؛ از این رو بخاری او را برای این مهم انتخاب کرده بود. ابوجعفر اعتماد بخاری را در فن کتابت به زبان و خط عربی را جلب کرده بود و بخاری به کیفیت و دقت ابوجعفر در کتابت اعتماد کامل داشت.

ز) ابوجعفر وّزاق پیش از اینکه به استخدام بخاری برای کتابت آثار بخاری درآید، نویسنده‌ای زبردست و مشهور بود و به احتمال زیاد به دلایلی نه‌چندان نامعلوم این خدمت را برای بخاری انجام داد. چه بسا بخاری مبلغ هنگفتی را به او پرداخته بود که کتابت آثار او را برعهده بگیرد یا اینکه ابوجعفر از سر شوق و خدمت به استادش بخاری این کار را انجام داد یا در سودای نام و نان بود و دلایل دیگری که می‌توان حدس زد؛ ولی هیچ‌کدام از قطعیت برخوردار نیستند.

ح) به احتمال زیاد نسخه دستنویس و اولیه تألیفات بخاری نزد ابوجعفر وجود داشت. این دستینه‌ها یا به تعبیر امروزی چرک‌نویس‌های اولیه، شواهدی از آخرین نقدها و دقت نظرهای بخاری در اعتبارسنجی و گزینش احادیث معتبر و عرضه آرای علمی او خود بودند؛ بنابراین از ارزش تاریخی و تراثی زیادی در بازایی نظریه‌های بخاری در علوم حدیث برخوردارند. بر این اساس در واکاوی میراث برجای مانده از ابوجعفر و راق نباید از این مهم غفلت ورزید؛ از جمله اینکه در فرض وجود تعارض میان اخبار مختلف در بیان نظر بخاری در یک موضوع، گزارش‌های ابوجعفر را باید بر گزارش‌های از دیدگاه بخاری ترجیح داد.

ط) تعبیر عزازی به زبان نگارش آثار بخاری اشاره‌ای ندارد؛ اما شواهد بیرونی دلالت دارد که ابوجعفر هرچند خود اهل بخارا و فارس‌زبان (یا به احتمال زیاد ترک‌زبان بود؛ زیرا زبان ترکی، زبان مادری اهالی بخارا در قرن سوم هجری بود) بود، به فنون و آداب نگارش به عربی تسلط داشت؛ زیرا از زمان فتح بخارا به دست عرب‌ها، عربی نویسی در این دیار رواج یافت و به عنوان زبان اداری و علمی پذیرفته شد.

از سوی دیگر، همه تألیفات بخاری به زبان عربی است و به زبان فارسی یا ترکی بخارایی، نگاشته‌ای از بخاری گزارش نشده است. ممکن است ابوجعفر نامه‌هایی را به زبان ترکی یا فارسی برای بخاری کتابت کرده باشد؛ زیرا این مهم از جمله وظایف کاتبان بوده است، اما جمله عزازی به این نکته دلالت ندارد و در مقام بیان این نقش برای ابوجعفر نیست.

ی) عزازی با تفکیک عنوان کاتب از وراق قصد دارد به نقش‌های دوگانه و البته مکمل ابوجعفر در نویسندگی و انتشار کتاب‌های بخاری اشاره کند. ابوجعفر افزون بر اینکه وراق بخاری بود، تهیه ابزارهای نگارش و استنساخ چون کاغذ، قلم، دوات و ملزومات آماده‌سازی کتاب چون جلد و تهذیب و همانند آن را بر عهده داشت و نویسنده زبردست و امین کتاب‌های بخاری نیز بود. بنابراین نباید این دو نقش ابوجعفر را بایکدیگر درآمیخت یا آن دو را یکسان انگاشت.

ک) بخاری هزینه زیادی را برای کتابت آثار خود به ابوجعفر پرداخت می‌کرد. ابوجعفر کاتب سیاری بود که تمام وقت در اختیار بخاری بود. همراهی با بخاری در طول سفر، افزون بر دستمزد کتابت، هزینه‌های جانبی دیگری چون هزینه مرکب برای سفر و نقل و انتقال ملزومات نگارش، هزینه سکونت، خوراک و... را بر بخاری تحمیل می‌کرد؛ از این رو بخاری باید شخص متمول و دارای ثروت زیاد باشد که بتواند نویسنده‌ای سیار و تمام‌وقت برای خود در طول سفرهایش استخدام کند.

سیاق عبارت عزازی تصریح دارد که ابوجعفر و زاق در طول سفرهای بخاری با او همراه بود و یکی از وظایف او نگارش کتاب‌های بخاری بود؛ از این رو نباید احتمال داد که بخاری در یک شهری (برای مثال بخارا) دست‌نوشته‌های خود را به ابوجعفر سپرد تا آنها را برای او بازنویسی و منتشر کند. این احتمال با سیاق عبارت عزازی ناسازگار است و از سوی دیگر، سند تاریخی در اثبات آن وجود ندارد، هر چند از نظر عقلی چنین احتمالی متصور است.

ل) بخاری از شخصیت‌هایی بود که برای خود نویسنده ویژه داشت. استخدام نویسنده از سوی برخی از محدثان سرآمد در روزگار بخاری و پیش از آن رویه‌ای شناخته شده بود و به مکان و مکتب ایشان دلالت داشت^۱ و منبع معتبری برای دستیابی به احادیث محدثان بودند؛ برای مثال بخاری به شکل گسترده از عبد الله بن صالح، کاتب ابوحارث لیث بن سعد فهمی (۹۴-۱۷۵ق) از محدثان بزرگ و سرآمد قرن دوم هجری در مصر، روایت کرده است.^۲

مؤلف شرح حال بخاری

۳۹۹

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

مفاد جمله «وقام بتالیف کتاب حافل عن حياة الامام البخاري سماه شمائل البخاري دلالت دارد که:

الف) نگارش کتابی در موضوع شرح حال و زندگی بخاری از جمله اقدامات مهم ابوجعفر و زاق بود؛ از این رو عزازی به شکل مستقل و اندکی به تفصیل به آن پرداخته است.

ب) شمائل البخاری نام کتاب ابوجعفر در موضوع شرح حال بخاری است که خودش این اسم را برای کتابش برگزیده است. مفهوم کتاب در این جمله معنادار است و آن را از عناوین دیگر نگاشته‌های رایج چون رساله، جزء، دفتر و همانند آنها متمایز می‌کند.

ج) قید «حافل» دلالت دارد که حجم و محتوای کتاب ابوجعفر گسترده بود و تمام زندگی بخاری را دربر می‌گرفت. کلمه «حافل» در جمله دلالت دارد بر اینکه کتاب یادشده سرشار، غنی و پراز

۱. بنگرید: عبدالرزاق صنعانی؛ المصنف؛ ج ۵، ص ۲۳۹. حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۱، ص ۵۲۸ و ج ۳، ص ۳۱۰. ابن حجر؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ ج ۳، ص ۸.
۲. «قوله و أبو صالح» هو عبد الله بن صالح كاتب الليث وقد أكثر البخاري عنه من المعلقات وعلق عن الليث جملة كثيرة من افراد أبي صالح عنه» (ابن حجر؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ ج ۱، ص ۲۷).

اطلاعات و جزئیات درباره زندگی بخاری است. ریشه «حفل» در معنای لغوی زبان عربی نیز به معنای جمع شدن در یک محل آمده است.^۱

د) کتاب ابوجعفر از نوع تألیف بود. او در این کتاب به گردآوری اخبار مربوط به زندگی بخاری بسنده نکرده بود. تألیف کتاب سبک متمایزی از گردآوری اخبار است و در آن افزون بر گردآوری، تبویب، تقدیم و تأخیر بخش‌ها، تحلیل و تبیین نیز وجود دارد؛ حتی حضور مؤلف در داوری و نقد اخبار و دیدگاه‌ها نیز برجسته است.

ه) ابوجعفر در فن تاریخ‌نگاری مشاهیر و شخصیت‌ها تبحر و تخصص داشت؛ زیرا کتاب او درباره شرح حال بخاری از نوع تألیفات تاریخی بود که در آنها به زندگی شخصی و علمی اشخاص مشهور پرداخته می‌شود. این‌گونه نگارش‌ها در روزگار ابوجعفر و زاق نزد مؤلفان کتاب، فن و سبک شناخته شده‌ای بود و ابوجعفر به اقتضای اشتغال به شغل کتابت و و زاقی کتاب با اصول و فنون نگارش این سبک از آثار تاریخی آشنا بود.

و) انتساب تألیف کتاب شمائل البخاری به شخص ابوجعفر و زاق قطعی است؛ زیرا عزازی تألیف این کتاب با این عنوان را به ابوجعفر بدون هیچ تردیدی نسبت داده است.

از این ادعا چنین به نظر می‌آید عزازی برای درستی آن ادله تاریخی و شواهد علمی متعددی دارد، هر چند به دلایلی نامعلوم به آنها اشاره نکرده است یا به دلیل شهرت از بیان آنها اجتناب ورزیده است؛ زیرا انتساب این کتاب به ابوجعفر و زاق نزد کتاب‌شناسان و فهرس‌نویسان مشهور است. در این امور نیز شهرت کفایت می‌کند و به بیان تفصیلی ادله نیازی نیست.

ز) کتاب شمائل البخاری ابوجعفر و زاق، منبع ذهبی و نویسندگان بعد از وی در نگارش شرح حال بخاری بود. این اشاره بیان‌کننده آن است که ذهبی به کتاب شمائل البخاری دسترسی داشت و این اثر منبع اصلی او در نگارش شرح حال بخاری در کتاب‌های تاریخی و حدیثی او بوده است؛ بنابراین نسخه‌ای از این کتاب در قرن هشتم هجری در اختیار ذهبی بوده است.

سوم: از روایت تا تحدیث

عزازی در بخش پایانی زندگی‌نامه، به دو نقش «راوی محدثان بخارا» و «استاد فربری» اشاره می‌کند و با بخش زندگی‌نامه ابوجعفر در کتاب عزازی پایان می‌پذیرد.

۱. خلیل فراهیدی؛ العین؛ ج ۳، ص ۲۳۵. جوهری؛ الصحاح؛ ج ۴، ص ۱۶۷۱. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۸۱-۸۲.

راوی محدثان بخارا

جمله «روی عن البخاری و یحیی بن جعفر البیکندی و عمر بن حفص الأشقر» به نکات ذیل دلالت دارد:

الف) ابوجعفر و راق افزون بر محمد بن اسماعیل بخاری، از یحیی بن جعفر بیکندی و عمر بن حفص اشقر نیز حدیث روایت می‌کرد؛ سه شخصیت علمی که هر سه از بخارا برخاسته بودند. عمر بن حفص اشقر از همراهان و ملازمان بخاری در سفر وی به بصره بود.^۱ اخبار تاریخی انگشت شمار از او درباره بخاری در منابع گزارش شده است؛^۲ ولی شرح حال او در منابع حدیثی و تاریخی دستیاب نشد. یحیی بن جعفر بیکندی (۲۴۳ق) از محدثان بخارا بود و بخاری از طریق فرزندش احادیثی را از او روایت کرده است.^۳ مزی در جستاری مستقل، شرح حال او را گزارش کرده است.^۴

ب) ظاهر جمله «روی عن...» دلالت دارد که ابوجعفر نزد بخاری، بیکندی و اشقر حدیث آموخته، سپس احادیث آنان را روایت کرده بود و از آنان اجازه نقل روایت داشت؛ از این رو بایستی احادیثی از ایشان در جوامع حدیثی وجود داشته باشد که راوی آنها ابوجعفر و راق باشد.

ج) یحیی بیکندی و عمر اشقر جایگاهی همانند بخاری نزد ابوجعفر نداشتند؛ از این رو عزازی از کاربرد واژه شیخ و امام برای ایشان اجتناب می‌ورزد و به یاد اسم ایشان بسنده می‌کند. این تعبیر گویای آن است که بخاری در دانش حدیث جایگاهی بسیار فرازمند از آن دو داشت و گستره اندوخته‌های حدیثی و شهرت ایشان در تراز اندوخته‌ها و سطح شهرت بخاری نبود؛ به همین دلیل عزازی یادکرد نام بخاری را بر اسامی ایشان مقدم کرده است.

د) عزازی هر چند به تعداد احادیثی که ابوجعفر و راق از یحیی بیکندی و عمر اشقر روایت کرده است، اشاره نمی‌کند؛ ولی سیاق عزازی عبارت دلالت دارد که بر پایه ارتکاز ذهنی او تعداد این احادیث چنان قابل توجه و فراوان است که می‌توانیم ابوجعفر را از جمله روایات میراث حدیثی

۱. خطیب بغدادی؛ تاریخ بغداد؛ ج ۲، ص ۱۳.

۲. ابن ماکولا؛ الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف والمختلف فی الأسماء والکنی والنساب؛ ج ۲، ص ۲۸۲. ابن عساکر؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۱۵، ص ۲۶۵.

۳. ابن حجر؛ فتح الباری؛ ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۴. مزی؛ تهذیب الکمال؛ ج ۳۱، ص ۲۵۴ - ۲۵۶.

این دو استاد حدیث برشماریم و این احادیث، امروزه در میراث حدیثی به شکل فراگیر موجود هستند. این مهم از مفهوم «روایت، راوی» به ذهن می‌رسد؛ به‌ویژه اینکه عزازی تعبیر «روی عن» را در یک سیاق مشترک میان بخاری، یحیی بیکنندی و عمر اشقر به کار برده است.

ابوجعفر، استاد فربری

جمله «و حدث عنه: ابو عبدالله محمد بن یوسف بن مطر الفربری» بر امور زیر دلالت دارد:

الف) شخصی به نام محمد بن یوسف بن مطر فربری با کنیه ابو عبدالله احادیثی را بدون واسطه از ابوجعفر روایت کرده است.

ب) محمد فربری، مدت زمانی نزد ابوجعفر حدیث آموخت و از او اجازه نقل حدیث اخذ کرد؛ از این رو ابوجعفر و راق استاد فربری در حدیث بود.

ج) محمد فربری از میان شاگردان ابوجعفر، برجستگی و اهمیتی ویژه دارد که عزازی به ذکر نام او از میان شاگردان احتمالی ابوجعفر بسنده کرده است.

د) احادیث محمد فربری از ابوجعفر از فراوانی برخوردار است و در جوامع حدیثی قابل بازیابی است.

ه) محمد فربری در حفظ و نقل میراث حدیثی ابوجعفر نقش مهم و بسزایی ایفا کرد؛ بنابراین از طریق احادیث او می‌توانیم به جایگاه حدیثی ابوجعفر دست پیدا کنیم.

۴۰۲

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۳. زندگی‌نامه ابوجعفر؛ سبک و گونه

مقصود از گونه‌شناسی زندگی‌نامه ابوجعفر و راق، تعیین نوع و سنخ آن در میان سبک‌های رایج نگارش زندگی‌نامه‌های مشاهیر تاریخی است. به کمک گونه‌شناسی می‌توان زندگی‌نامه‌های مشاهیر برجسته را بر اساس ویژگی‌هایشان به انواع متمایز دسته‌بندی کرد. تمایز زندگی‌نامه‌ها می‌تواند ناشی از تکامل سبک نگارش مؤلفان در طول تاریخ یا برآمده از توانایی و اهداف ایشان باشد. زندگی‌نامه‌ها همچون هر پدیده تاریخی دیگر، روندی رو به رشد و تکامل را طی می‌کنند و از متغیرهای متعددی چون عوامل انسانی، سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرند؛ از این رو از تنوع برخوردار هستند.

تکامل تدریجی سبک‌های نگارش، اثرپذیری از عوامل انسانی خواسته یا ناخواسته، به پدیداری انواع زندگی‌نامه‌ها انجامیده است. این امر، حضور رگه‌هایی از اجتهاد و انگیزه‌های شخصی

مؤلفان در نگارش زندگی‌نامه‌های مشاهیر تاریخی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بر اثر اجتهاد مؤلفان زندگی‌نامه‌ها، روایت ایشان از شخصیت‌ها جایگزین تاریخ‌راستین و تصویر واقعی ایشان می‌شود و مؤلف به جای ایفای نقش حکایت‌گر تصویر تاریخی شخصیت‌ها، به بازسازی شخصیت بر اساس اهداف و آرمان‌های از پیش تعیین شده می‌پردازد.

این رویکرد با برجسته کردن جنبه‌های خاصی از زندگی مشاهیر و کم‌رنگ کردن سایر ابعاد، تصویری گزینشی و هدفمند از آنان ارائه می‌دهد که لزوماً با واقعیت تاریخی و تصویر حقیقی شخصیت‌ها انطباق کامل و دقیق ندارد. بنابراین زندگی‌نامه‌ها نه تنها منبعی برای شناخت تاریخ، بلکه اثری تاریخی با سویه‌های تفسیری و ایدئولوژیک نیز هستند و در مطالعه آنها باید دقت لازم انجام پذیرد. سبک‌شناسی زندگی‌نامه‌های مشاهیر تاریخی گویای این مهم است که مؤلفان آنها از دو روش «اکتشاف» و «اجتهاد» در نگارش زندگی‌نامه‌ها استفاده کرده‌اند؛ از این رو به دو گونه کلی تقسیم‌پذیر هستند.

در گونه نخست که از آن با عنوان «زندگی‌نامه اکتشافی - تاریخی» یاد می‌کنیم، نویسندۀ زندگی‌نامه به بازیابی جایگاه و شخصیت مؤلفان منابع تاریخی می‌پردازد. این بازیابی از طریق بررسی اخبار و منابع تاریخی هم‌عصر یا اندکی پس از درگذشت ایشان صورت می‌گیرد؛ چراکه در این بازه زمانی، شخصیت و اعتبار مؤلف نزد دیگران شکل گرفته و تثبیت شده است. نویسندۀ در این گونه از زندگی‌نامه‌ها به کشف، بازیابی، گردآوری و گزارش اخبار تاریخی مرتبط با شخصیت مورد نظر می‌پردازد. نویسندۀ در این رویکرد از هرگونه تفسیر، تحلیل یا داوری شخصی اجتناب می‌ورزد و صرفاً به ارائه گزارشی جامع از اخبار و اطلاعات موجود بسنده می‌کند.

به بیان دیگر، نویسندۀ زندگی‌نامه اکتشافی، از رفع تعارضات، حذف و تقدیم اخبار یا هرگونه عمل اجتهادی خودداری می‌کند و می‌کوشد تصویری کامل و بی‌طرفانه از شخصیت مورد بررسی را در اختیار مخاطب قرار دهد. هدف غایی در این نوع زندگی‌نامه‌نویسی، ارائه مجموعه‌ای جامع و مستند از اخبار تاریخی، بدون اعمال نظر و سلیقه شخصی نویسندۀ زندگی‌نامه است.

گونه دوم «زندگی‌نامه اجتهادی - تفسیری» نام دارد. نقش محوری در نگارش این گونه از زندگی‌نامه مشاهیر بر عهده نویسندۀ آن است. این نوع از زندگی‌نامه‌نویسی بیش از آنکه بر اخبار و اسناد تاریخی متکی باشد، به گزینش، گزارش، تفسیر، تحلیل، حدس و اجتهاد نویسندۀ آن استوار است.

بر همین اساس، ممکن است از یک شخصیت، چند زندگی نامه متفاوت ارائه شود؛ زیرا زاویه دید و نوع تحلیل مؤلفان آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین احتمال خطا و حتی تناقض در تصویر ارائه شده از شخصیت های تاریخی در این گونه از زندگی نامه ها وجود دارد.

ساختارمندی، انسجام بخشی، برخورداری از هسته مرکزی، رویه و پوسته، سوگیری، تقدیم و تأخیر اخبار، حذف و ترجیح در حل اخبار متعارض، از جمله اوصاف زندگی نامه های اجتهادی است. نظر به تفاوت استعداد نویسندگان، طیف وسیع و متنوعی از این گونه زندگی نامه ها متصور است. با وجود تفاوت این گونه زندگی نامه ها با یکدیگر، تلاش برای ارائه تصویری منسجم و اجتناب از پراکندگی اخبار، از جمله مؤلفه های مشترک آنهاست. نویسندگان زندگی نامه های اجتهادی می کوشند اخبار را در ساختاری منسجم و به گونه ای ارائه دهند که برآیند آنها، تصویر مطلوب ایشان از شخصیت را در ذهن خواننده ترسیم کند.

با درنگ در زندگی نامه ابوجعفر وراق (در کتاب عادل عزازی) و با استناد به گونه شناسی یادشده از انواع زندگی نامه ها، رویکرد عزازی با گونه دوم انطباق دارد. شواهد متعددی نشان دهنده تلاش تفسیری و اجتهادی عزازی در نگارش زندگی نامه ابوجعفر است. از جمله مهم ترین این شواهد، ساختارمندی و انسجام در زندگی نامه ابوجعفر است.

این گونه از زندگی نامه ها برگرفته از سبک منابع تاریخی - رجالی هستند که در قرن نهم هجری در کتاب های شرح حال راویان و محدثان از الگوی آنها استفاده شده است؛ نمونه کامل آن را در تهذیب الکمال مزی شاهد هستیم. خط سیر داستانی این گونه زندگی نامه ها از بیان نام و نسب شخصیت تاریخی آغاز و با بیان استادان و مشایخ و تألیفات او تداوم می یابد و با بیان سال مرگ پایان می پذیرد. زندگی نامه ابوجعفر وراق تشابه بسیاری به این الگو دارد؛ زیرا از ساختار منسجم و خط سیر روایتگری برخوردار است.

شاهد دیگر، تمرکز نویسنده زندگی نامه بر یک بُعد از شخصیت و برجسته سازی آن است. هسته مرکزی در زندگی نامه ابوجعفر، پیوند او با بخاری است که عزازی در برجسته کردن آن تمرکز ویژه ای دارد و بیشترین بخش از زندگی نامه را به آن اختصاص داده است. این نکته، نشان دهنده اجتهاد و سوگیری او در نگارش زندگی نامه ابوجعفر است که در زندگی نامه تاریخی و اکتشافی به ندرت اتفاق می افتد که نویسنده بخواهد چنین نکته کانونی برای روایت خود از شخصیت ایجاد نماید؛ ولی در زندگی نامه اجتهادی، فرض چنین نقطه مرکزی و کانونی برای نگارش زندگی نامه اجتناب ناپذیر است.

شاهد دیگر، لحن و اسلوب بیانی عزازی در نگارش زندگی‌نامه است که نشان‌دهنده جهت‌گیری و اجتهاد اوست. تأکیدهای عزازی بر برخی از جنبه‌های انحصاری و اختصاصی شخصیت ابوجعفر چون وراق بودن، کاتب بودن و ملازم بودن او با بخاری، گویای این مهم است که قصد انتقال این نکته به خواننده را دارد که بخاری از چنان شخصیت جذاب و برجسته‌ای برخوردار بود که ابوجعفر تا زمان مرگ بخاری در خدمت او بود. در مقاله بعدی به نقد ساختار زندگی‌نامه ابوجعفر وراق خواهیم پرداخت.

دست‌آورد

عادل عزازی در کتاب طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاری و الرد علیها با استناد به اخبار ابوجعفر وراق در کتاب شمائل البخاری، حافظه بی‌نظیر بخاری در حفظ حدیث را واقعیتی تاریخی قطعی و مسلم دانسته است. عزازی برای معرفی مؤلف کتاب شمائل البخاری، زندگی‌نامه‌ای برای او آن نگاشته است. عزازی در زندگی‌نامه ابوجعفر وراق، از نام، کنیه و لقب ابوجعفر به اختصار یاد می‌کند؛ ولی از مناسبات و ارتباطات او با بخاری به تفصیل یاد کرده است؛ از جمله اینکه بخاری، استاد و شیخ ابوجعفر در حدیث بود؛ ابوجعفر از روایانی بود که بخاری به او اجازه نقل حدیث داده بود؛ ابوجعفر از شخصیت‌های بسیار نزدیک به بخاری بود؛ او در سفرها و حضر ملازم بخاری بود که این همراهی نشان‌دهنده اعتماد و جایگاه ویژه ابوجعفر نزد بخاری است.

ابوجعفر وراق، کاتب و نویسنده آثار بخاری بود و فربری از طریق او به احادیث بخاری دسترسی داشت؛ از این رو ابوجعفر یکی از حلقه‌های انتقال حدیث بخاری به نسل‌های بعد از خودش بود. ابوجعفر کتابی درباره شرح حال استادش بخاری نگاشت و آن را شمائل البخاری نام‌گذاری کرد و این تنها اثری است که در تاریخ از او به یادگار مانده است.

عزازی در بخش پایانی زندگی‌نامه دو نقش ابوجعفر را برجسته می‌کند. این دو نقش، هرچند در مقایسه با نقش‌های پیشین او در تعامل با بخاری از اهمیت کمتری برخوردارند، اما اهمیت خاص خود را دارند. در نقش نخست، ابوجعفر در جایگاه راوی محدثان بخارا و به طور خاص فربری معرفی می‌شود؛ این نقش بیان‌کننده حضور پُررنگ ابوجعفر در عرصه نقل حدیث است. در نقش دوم، به ویژگی راوی بودن ابوجعفر در میان محدثان بخارا تأکید شده است. این نقش به نمادی از پیوند او با جریان علمی و حدیثی شهر تاریخی بخارا دلالت دارد که در روزگار ابوجعفر

با حضور شخصیتی چون بخاری و دیگر محدثان نامدار آن دیار از مراکز بسیار مهم و مشهور در حدیث بود.

ساختارشناسی زندگی نامه ابوجعفر گویای این مهم است که متن آن از دو دسته مضامین اصلی و فرعی تشکیل یافته است. «بسامد»، «تکرار»، «ارجاع» و «تأکید» از ویژگی های مضامین اصلی هستند. مضامین اصلی با هدف و غرض عزازی از تألیف زندگی نامه ابوجعفر پیوند دارند. مضامین اصلی در هسته مرکزی متن و در بخش «از وِزاق تا کاتب بخاری» قرار دارند. در این بخش، تصویر ابوجعفر از طریق شش ویژگی برجسته ترسیم شده است که همگی در پیوند با بخاری هستند. این ویژگی ها ابعاد و نقش های مختلف شخصیت علمی ابوجعفر را نشان می دهند و خواننده با تحولات و تأثیرات متقابل میان ابوجعفر و بخاری آشنا می شود. تمرکز فوق العاده عزازی بر این بخش، ارائه اطلاعات نسبتاً گسترده در آن، گویای این نکته مهم است که در نگاه و ذهن عزازی، مضمون اصلی زندگی نامه ابوجعفر همین بخش است؛ از این رو آن را در هسته مرکزی زندگی نامه قرار داده است.

مضامین فرعی در بخش آغازین و پایانی زندگی نامه ابوجعفر جانمایی شده اند. مضامین فرعی در حاشیه و رویه متن زندگی نامه ابوجعفر قرار دارند. مضامین فرعی از اهمیت زیادی برخوردار نیستند؛ از این رو بسیار گذرا و به اجمال به آنها اشاره شده است. پرداختن به مضامین فرعی برای عزازی اهمیت زیادی ندارد؛ برای نمونه عزازی از ارائه اطلاعات بیشتر درباره پدر ابوجعفر و خاندان وی اجتناب ورزیده است و برای آگاهی بیشتر در این موضوع نیز به منابع دیگر ارجاع نداده است. اشاره گذرا و بدون ارجاع به منابع تکمیلی به نام و نسب، کنیه و لقب ابوجعفر وِزاق گویای این نکته است که شناساندن این شخصیت بیش از این، برای عزازی از اهمیت و اولویت برخوردار نیست؛ بنابراین می توانیم مفاهیم «نام و نسب» و «کنیه و لقب» ابوجعفر را در مضامین فرعی قرار دهیم. به همین سان در بخش پایانی، اطلاعات گسترده ای از یحیی بیکندی و عمر اشقر در اختیار خواننده قرار نداده است.

عزازی در تدوین زندگی نامه ابوجعفر، تمایزی میان دو بخش اصلی و فرعی قائل نشده است و مضامین اصلی و فرعی را عنوان گذاری نمی کند. او با اتخاذ رویکردی یک پارچه و خطی، زندگی نامه را به صورت متنی پیوسته ارائه کرده است.

زندگی نامه ابوجعفر در کتاب عزازی، از چند لایه مهم برخوردار است: ساختار، مضمون و روش. عزازی در نگارش زندگی نامه ابوجعفر از رویکرد اجتهادی ساختارگرا استفاده کرده است. وجود

رگه‌های اجتهاد و انگیزه شخصی عزازی در متن زندگی‌نامه ابوجعفر انکارپذیر است. در اثر اجتهاد عزازی، روایت به جای تاریخ نشسته است. عزازی به جای نقش‌راوی واقعیت تاریخی به بازسازی آن بر اساس انگیزه‌ها و آرمان‌های از پیش تعیین‌شده خود پرداخته است.

نویسنده این مقاله کوشید با معیارهای علمی، زندگی‌نامه ابوجعفر وّزّاق را در کتاب عادل عزازی تحلیل کند؛ به همین دلیل از هرگونه ارزش‌گذاری، پیش‌داوری، شتاب‌زدگی، مذهب‌گرایی، شبه‌علم و تفکر ایدئولوژیک در تحلیل اجتناب کرده است؛ مسئله‌ای که تاکنون در جریان دوگانه نقد و دفاع از بخاری مفعول مانده است و مطالعات انتقادی کتاب صحیح بخاری را به افراط و تفریط و بستری برای تشدید تعصب و تقلید سوق داده است. ارزیابی و نقد هر یک از بخش‌های سه‌گانه زندگی‌نامه ابوجعفر وّزّاق از ساختار تا محتوا در بخش‌های بعدی این پژوهش خواهد آمد تا روشن شود عزازی به چه میزان در اثبات شهرت ابوجعفر وّزّاق در جایگاه مؤلف کهن‌ترین منبع تاریخی اسطوره حفظ موفق بوده است.

کتاب نامه

ابن حجر عسقلانی، احمد؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ تحقیق: عبدالعزیز عبدالله بن باز؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۷۹ق.

ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق؛ ترتیب اصلاح المنطق؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

ابن سلام، ابوسلیمان حمد بن محمد؛ غریب الحدیث؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۴ق.

ابن سیده، علی؛ المخصص؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].

ابن عساکر، علی؛ تاریخ دمشق؛ تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق: عبدالسلام هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

ابن ماکولا، علی به هبة الله؛ الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف والمختلف فی الأسماء والکنی والأنساب؛ قاهره: دارالکتب الاسلامی، [بی تا].

آل عصفور، محسن؛ الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع؛ قم: [بی نا]، [بی تا].

جعفریان، رسول، قاسم قریب و حسن طارمی راد؛ «شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در بحار الأنوار»؛ فصلنامه تاریخ اسلام، س ۱۷، ش ۳، پاییز ۱۳۹۵.

جوهری، اسماعیل؛ الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۵۶م.

حافظ شیرازی، مصلح الدین؛ دیوان حافظ؛ تهران: یاقوت کویر، [بی تا].

حاکم نیسابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].

خطیب بغدادی، احمد؛ الرحلة فی طلب الحدیث؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۵ق.

خطیب بغدادی، محمد؛ تاریخ بغداد؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

دهقانی، رضا؛ «چیستی نقد تاریخی»؛ نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، ش ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش.

دینوری، ابن قتیبہ؛ غریب الحدیث؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۸م.

ذهبی، محمد؛ سیر اعلام النبلاء؛ بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۴ق.

راد، علی؛ «اسطوره بخارا: مروری انتقادی بر کتاب "طعون و شبهات الشيعة الأممية حول صحيح البخاري و الرد عليها"؛ آینه پژوهش، ش ۲۰۳، آذر و دی ۱۴۰۲ش.

راد، علی؛ «تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ: کتاب "شمائل البخاری" ابوجعفر و زاق (۵۱)»؛ آینه پژوهش، دوره ۳۶، ش ۲۱۲، خرداد و تیر ۱۴۰۴ش.

راد، علی؛ «در امتداد اسطوره و سراب: مروری انتقادی بر کتاب "طعون و شبهات الشيعة الأممية حول صحيح البخاري و الرد عليها"؛ آینه پژوهش، ش ۲۰۲، مهر و آبان ۱۴۰۲ش.

راد، علی؛ «نقد کتاب "سيرة الامام البخاري" عبدالسلام مبارکفوری از تحریف در عنوان تا اعطای لقب علامه»؛ آینه پژوهش، ش ۲۰۷، مرداد و شهریور ۱۴۰۳ش.

رامهرمزی، حسن؛ المحدث الفاصل بین الراوی والواعی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.

رضوی، سیدابولفضل؛ «نقد منبع در تاریخ: چیستی و چگونگی»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۳، خرداد ۱۳۸۸ ش.
سالاری، زینب و مجتبی زروانی؛ «نسبت بین الهیات و تاریخ در آراء ولفهات پانن برگ»؛ الهیات تطبیقی، س ۱، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹ ش.

شربینی، محمد؛ مغنی المحتاج؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸ م.
شهریزی، عثمان؛ مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحديث؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۵ م.
شهید ثانی، زین الدین؛ الرعاية فی علم الدراية؛ قم: مکتبة المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.
شیخزاده، محمد و رضا بنی اسد؛ تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها؛ تهران: لوگوس، ۱۴۰۲ ش.
صنعانی، عبدالرزاق؛ المصنّف؛ [بی جا]: منشورات المجلس العلمی، [بی تا].
عزازی، عادل حسن یوسف؛ طعون و شبهات الشيعة الإمامية حول صحيح البخاری و الرد علیها؛ قاهره: داراللولوة، ۱۴۴۳ ق.

عسکری، حسن؛ أخبار المصحفين؛ تحقیق: صبحی بدری سامرائی؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ ق.

فراهیدی، خلیل؛ العین؛ تحقیق: مهدی المخزومی و إبراهيم السامرائی؛ قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.

لطفی، داود؛ صنعت چاپ: سیر تحول صنعت چاپ؛ تهران: آذرپویا، ۱۳۹۵ ش.

مژی، یوسف؛ تهذیب الکمال؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ ق.

نوذری، حسینعلی و مهدی فرهانی منفرد؛ «چارچوب نقد تاریخی»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۰، دی ۱۳۸۸ ش.